

## پایان آیه الکرسی (هُم فِيهَا خَالِدُونَ) يَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ؟ و احتمال تحریف آن

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سؤال<sup>۱</sup>: آیا آیه الکرسی آیه ۲۵۵ سوره بقره است؟ و چرا علمای ما دو آیه بعد از آن را به آن می افزایند که به این فرموده خداوند متعال ختم می شود: ﴿هُم فِيهَا خَالِدُونَ﴾؟

● در مورد پایان آیه الکرسی پس از توافق مسلمانان مبنی بر این که آغاز آن آیه ۲۵۵ سوره بقره ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ است اما علما نسبت به پایان آن اختلاف دارند: در میان علمای اهل سنت و شیعه مشهور است که با پایان آیه ۲۵۵ سوره بقره ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ ختم می شود. برخی از علمای امامیه معتقدند که به پایان آیه ۲۵۷ سوره بقره یعنی ﴿هُم فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ختم می شود و بسیاری این مطلب را از روی احتیاط گفته اند چرا که وضعیت این آیه شریفه بین آیه شماره ۲۵۵ و آیات ۲۵۵ تا ۲۵۷ مردد است و مقتضای احتیاط - رفع تکلیف از آنچه که به عهده انسان آمده است هرچند از روی استحباب (مثل نماز لیلۃ الدفن) - این است که مقدار بیشتر را نیز ادا کند.

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۲۷۱.

علت افزودن دو آیه بعدی این است که در مورد برخی از اعمال مثل نماز روز مباحله روایاتی وجود دارد که در آن ها آمده است: آیه الکسری و دو آیه بعد از آن را به جا می آورد. امری که برخی از علما از آن این احتمال را بر داشت کرده اند که الزام به اتیان دو آیه بعدی از این جهت است که آیه الکرسی واقعی در آن جا خاتمه پیدا می کند و در مصحف به شکل درستی قرار نگرفته است در نتیجه امام به دنبال ارشاد مومنین به ضرورت قرائت دو آیه بعدی است تا قرائت آیت الکرسی توسط ایشان انجام شود. اما در بعضی از این روایات - همانطور که خواهد آمد - هیچ اشاره ای به این احتمال نشده است بنابراین چه بسا مستحب آن باشد که آیه الکرسی که با ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ خاتمه می آید قرائت شده و همچنین مستحب باشد که دو آیه بعدی نیز قرائت شود بی آن که ضرورتی داشته باشد که دو آیه بعدی جزئی از آیه الکرسی باشد. آنچه که این نکته را تأکید می کند که آیه الکرسی تنها آیه شماره ۲۵۵ از سوره بقره است افزون بر ورود این مطلب در برخی از روایات این است که در بعضی از این روایاتی که به آن استدلال کرده اند از تعبیر (بعدها) استفاده شده است که بیانگر این است که این دو آیه بعد از آیه الکرسی قرار گرفته اند. بنابراین صحیح دیدگاه آقای خوئی در مباحث علمی خود می باشد مبنی بر این که اساساً هیچ نص معتبری برای تحدید در غیر آن چیزی که امروزه در قرآن کریم آمده است، وجود ندارد.

#### مهمترین روایاتی که در این زمینه مطرح است عبارت اند از:

**روایت اول:** آنچه شیخ کلینی در (الکافی ۸: ۲۸۹) نقل کرده است: عن علي بن إبراهيم، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن محمد بن سنان، عن أبي جرير القمي - که همان محمد بن عبید الله است و در نسخه ای عبد الله - عن أبي الحسن عليه السلام: «له ما في السماوات وما في الأرض وما بينهما وما تحت الثرى عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه».

این روایت به جهت وجود محمد بن سنان و همچنین اختلافی که در محمد بن خالد برقی و ابو جریر قمی وجود دارد از مشکل سندی رنج می برد همچنان که این روایات به پایان آیه الکرسی اشاره نمی کند بلکه بیانگر این نکته است که آیه الکرسی به روشی مخالف با آنچه که در مصحف امروزه وجود دارد می باشد بنابراین دلالت بر نوعی تحریف در قرآن کریم دارد.

چه بسا به همین جهت، سید علی خان مدنی در (ریاض السالکین ۷: ۴۲۸) این چنین تعلیقه می زند: «وهذه الرواية أوردها ثقة الإسلام في الروضة عن علي بن إبراهيم بسند له آخر عن أبي الحسن عليه السلام، وهو سند ضعيف».

**روایت دوم:** آنچه شیخ کلینی در (الکافی ۸: ۲۹۰) نقل کرده، عن محمد بن خالد، عن حمزة بن عبید، عن إسماعيل بن عباد، عن أبي عبد الله عليه السلام: «ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء، وآخرها: وهو العلي العظيم، والحمد لله رب العالمين، وأيتين بعدها».

این روایت علاوه بر احتمال دلالت آن بر تحریف در متن قرآنی، با افزودن « الحمد لله رب العالمين » دلالت بر این دارد که دو آیه بعد از آن باید خوانده شود و هیچ معلوم نیست که آیا در مقام بیان آیه الکرسی است یا در مقام بیان یک نماز معین است و به صدد بیان آنچه چیزی است که خواندن آن در نماز مستحب است یعنی آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن. بنابراین این روایت نه دلالت بر مطلوب مورد نظر داشته و نه دلالتی بر خلاف آن دارد.

اما در مورد سلسله سند، اگر از طریق به محمد بن خالد برقی چشم بیوشیم، خود برقی نیز محل تأمل است، علاوه بر جهل کاملی که نسبت به حمزه بن عبید، وجود دارد همچنان که هیچ طریقی برای اثبات وثاقت اسماعیل بن عباد جز نظریه تفسیر قمی وجود ندارد که این نظریه ثابت نیست.

**روایت سوم:** از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «كان علي بن الحسين عليهما السلام يحلف مجتهداً، إن من قرأها قبل زوال الشمس سبعين مرة فوافق تكلمة السبعين زوالها، غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، فإن مات في عامه ذلك مات مغفوراً غير محاسب (الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السماوات وما في الأرض وما بينهما وما تحت الثرى عالم الغيب والشهادة فلا يظهر على غيبه أحداً من ذا الذي يشفع - إلى قوله - هم فيها خالدون)» (مستدرک الوسائل ۶: ۱۱۶-۱۱۷، بحار الأنوار ۸۶: ۳۵۶، به نقل از العروس).

این روایتی است که قبلاً شیخ کلینی در الکافی بخشی از آن را نقل کرده و بر پایان آیه الكرسي دلالت دارد. این روایت - افزون بر موارد فوق - هیچ سندی ندارد. ما طریق نویسنده کتاب «العروس» به امام صادق ع را اساساً نمی دانیم و محدث نوری که اسانید را عادتاً بیان می کند آن را نیاورده است. همچنان که علامه مجلسی نیز آن را نیاورده است بنابراین به این حدیث نمی توان تکیه کرد.

**روایت چهارم:** آنچه شیخ طوسی در مورد روز مباهله در کتاب (مصباح المتجهج: ۷۵۸-۷۵۹ و رجوع کنید به: تفصیل وسائل الشیعه ۸: ۱۷۱-۱۷۲) آورده است، آنجا که می گوید: (روي عن الصادق عليه السلام أنه قال: «من صَلَّى في هذا اليوم ركعتين قبل الزوال بنصف ساعة شكراً لله على ما منَّ به عليه وخصَّه به، يقرأ في كلِّ ركعة أمَّ الكتاب مرَّةً واحدة، وعشر مرَّات قل هو الله أحد، وعشر مرات آية الكرسي إلى قوله: هم فيها خالدون، وعشر مرَّات إنا أنزلناه في ليلة القدر، عدلت عند الله مائة ألف حجَّة ومائة ألف عمرة، ولم يسأل الله عز وجل حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلا قضاها له كائنَةً ما كانت إن شاء الله عزَّ وجل». وهذه الصلاة بعينها رويناها في يوم الغدير).

این روایت به تحدید پایان آیه الكرسي دلالت نزدیک تری دارد، هرچند که همچنان این احتمال در آن وجود دارد که مقصود قرائت آیه الكرسي و دو آیه بعد باشد. اما این روایت اساساً بدون سند است و شیخ طوسی آن را با تعبیر (روی) نقل کرده است، بنابراین تکیه بر آن دشوار است.

**روایت پنجم:** آنچه شیخ صدوق در کتاب (ثواب الاعمال: ۱۰۴) آورده است، آنجا که فرمود: حدَّثني محمد بن علي بن ماجيلويه، قال: حدَّثني محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي، عن معاذ عن عمرو بن جميع، رفعه إلى علي بن الحسين عليهما السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من قرأ أربع آيات من أوَّل البقرة وآية الكرسي وأبتين بعدها وثلاث آيات من آخرها، لم ير في نفسه وماله شيئاً يكرهه ولا يقربه شيطان ولا ينسى القرآن».

این روایت - چنانکه گفتیم - صریح است در این که دو آیه بعد از آیه الکرسی از آن نیست و به همین دلیل از تعبیر (بعدها) در آن استفاده شده است افزون بر این که این روایت بین عمرو بن جمیع و امام زین العبادین علیه السلام مرفوع است افزون بر این که عمرو بن جمیع در کلمات نجاسی و طوسی ضعیف شمرده شده است (رجال النجاشی: ۲۸۸ و رجال طوسی: ۲۵۱). ، بلکه از نظر اهل سنت نیز ضعیف است (ر.ک: ذهبی، میزان الاعتدال ۳: ۲۵۱).

اینها مهمترین روایات موضوع است که پس از بررسی مجموع آنها از طریق این شواهد پراکنده در هر روایت به طور جداگانه، اطمینان به صدور آنها و تعیین پایان آیه الکرسی با پایان ﴿... هُم فِيهَا خَالِدُونَ﴾ دشوار است. چون تنها روایاتی که بر این مطلب دلالت دارند روایت سوم و چهارم است که روایت دو و پنجم در تعارض با آن ها هستند افزون بر قرائن خارجی، بنابراین چگونه می توان از دو روایتی با این چنین وضعیتی اطمینان حاصل کرد؟! بنابراین اگر کسی مایل به احتیاط در این زمینه باشد می تواند این کار را انجام دهد به شرط آن که بی دلیل نهایت این آیه را به خداوند سبحان نسبت ندهد و اصل در دوران امر در این آیه بین قلیل و کثیر این است که قلیل جزئی از آیه است و مقدار بیشتر معلوم نیست جزئی از آن است یا از آیه بعدی است بنابراین اصل بر عدم جزئیت آن از آیه کریمه می باشد. بنابراین آیه الکرسی - قدر متیقن آن - با ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ پایان می یابد و هیچ دلیلی بر تحریف آن مطلقاً وجود ندارد.